

ناصر علی سرھندی در آئینه انتقاد

دکتر عطیہ حیدر

استاد یار، زبان و ادبیات فارسی ، دانشکده کنیئرد، لاہور، پاکستان

THE CRITICAL VIEW OF WORK OF NASIR ALI SIRHINDI

Atiya Haider, PhD

Assistant Professor of Persian

Department of Persian, Kinnaird College(W), Lahore

Abstract

Nasir Ali Sirhindi is included among the famous Persian poets of Eleventh Hegira era. He belongs to the land of Sirhind (which is located in the Indo-Pak Subcontinent). He remained connected with the courts of some lords and ministers according to the custom of that age ;and he wrote their eulogy. He was follower of saintly line of 'Naqshbandiya' and he took the oath of allegiance to Hazrat Masoom Sirhindi (R.A) on his land. He was buried in the neighbourhood of shrine of Sultan of Saints Hazrat Nizam-ud-din Owliya (R.A).The published collected works of Nasir Ali consist of amatory verses, odes and quatrains. He also wrote verses comprising couplets. Some letters are also found of his prose artifacts. Nasir Ali flourished his poetry with the attributes of Subk-e-Hindi. e.g. subject applause , thoughtful, careful thinking and philosophical essays. He settled humanity ,mysteries of Sufism, freedom of thought, philosophical point of view and the customs of this age especially anxiety as basic subject of his poetry. He also used terminology and proverbs for their description. This is why the critics of verse considered his poetry worthy for criticism. The great number of contemporaries of his era and the narrators after that era, appreciated and admired his verse. This article is written about the opinions of the narrators and the critics of the verse regarding the verse of Nasir Ali Sirhindi.

Keywords:

Nasir Ali Sirhindi, Masoom Sirhindi, Sufism, Freedom, Hazrat Naizam ud Din Owliya

مقدمه:

سرهند شهری معروف و باستانی شبه قاره پاکستان و هند است که در استان پنجاب هند قرار دارد. در کنار ارزش های سیاسی و اهمیت تاریخی، سرهند در زمینه ادبی نیز دارای اهمیت فوق العاده است. شاعران و نویسندگان نام آور، در این سر زمین ادب پرور زیسته اند. ناصر علی سرهندی شاعر نامدار از این سر زمین برخاست و بر آسمان شعر و ادب سده یازدهم هجری مثل ستاره درخشید. ناصر علی گنجینه گرانبهای شعر فارسی سبک هندی را بصورت غزلیات، قصاید، مثنویات و رباعیات خودش افزود. وی با کمال مهارت هنری و افکار کلامش را به آن مرتبه رسانید که دست هر کس بدان نمی رسد. به همین جهت کلامش را در هر زمان تحسین کردند.

اول بطور اجمالی احوال زندگانی وی اینجا تذکر می شود و بعد از آن نظرات منتقدان درباره کلامش مطرح می شود.

احوال زندگانی ناصر علی سرهندی

زندگانی ابتدایی: شیخ ناصر علی، فرزند رجب علی، ملقب به صایبای ثانی است. (۱) بندراین داس خوشگو در سفینه خوشگو می نویسد: دانای رموز خفی و جلی میان شاه ناصر علی تخلص بن رجب، عالی تخلص از سادات ولایت پنجاب است. (۲) ولادت او بسال ۱۰۴۸ هـ ق در سرهند (سهرهند) اتفاق افتاده است. (۳) مولد و منشاء وی قصبه سرهند بوده. (۴) وی شصت سال عمر یافت. (۵) از خانواده نجیب سادات سرهند بود. اسم پدرش رجب علی بیگ بود. پدرش هم شعر می سرود و حالی تخلص می کرد. (۶) مقدمه ای که خان آرزو بر منتخبات اشعار ناصر علی نوشته ، محمد غوث خان بهادر، نقل از آن کرده او را سادات صحیح النسب دانسته و شعر ناصر علی گواه آورده:

گر از حسب پیرسی ما قنبریم قنبر

ور از نسب پیرسی ما آل مصطفی ایم (۷)

ناصر علی تحصیلات مقدماتی خود را در سرهند فرا گرفت. ناصر علی از دوران طفلی از دوستان نزدیک سرخوش به شمار می رفت که خودش در کلمات الشعراء می نویسد:

از یاران قدیم (فقیر بود) از خورد سالی یکجا به هم مشق سخن می کردیم و صحبتها می داشتیم این بیت حسب حال ماست:
طالع شهرت رسوایی مجنون بیش است
ورنه طشت من و او هر دو ز یک بام افتاد" (۸)

متصل شدن به دربار سیف خان:

در ابتداء ناصر علی به دربار میرزا فقیر الله سیف خان رفت میرزا فقیر الله سیف خان پسر تربیت خان بخشی یکی از امراء دربار اورنگزیب عالمگیر و دانشمندی مشهور بود. (۹)

وقتی ملازم میرزا فقیر الله، مخاطب به سیف خان بدخشی، حاکم اله آباد بود. شیخ علی سرهندی در زمان وی به سیر و سیاحت پرداخت. چون سیف خان درگذشت. ناصر به سرهند بازگشت. (۱۰)

سید حسن علی خان در این مورد می نویسد:

"لطمه شدیدی که وفات سیف خان به ذهن ناصر علی وارد آورد، از مرثیه پرسوز ناصر علی آشکار است:

سیف از سرم گذشت دلم را دونیم کرد (۱۱)

امرای دیگر آن عهد رشک می بردند و می خواستند که ناصر علی زیر بار احسان آنها در آید ولی ناصر علی پیشکش ایشان را مسترد نمود. (۱۲)

پیوستگی به سلسله نقشبندیه:

ناصر علی پیش از این که در حلقه ارادت شیخ معصوم سرهندی (۱۰۰۷ / ۱۰۷۹ هـ) درآید در باغی مصروف خوشگذرانی بود. اتفاقاً شیخ معصوم سرهندی هم آنجا تشریف داشت. ناصر را با صراحی و جام شراب دیده، شیخ معصوم خشمگین شده پرسید: این چیست؟ ناصر علی پاسخ داد: "می که ملایکه می خورند!" شیخ معصوم از این عمل ناصر علی ناراحت شد، بسیاری از علماء

متفق شدند و برای قتل وی فتوی دادند. راسخ سرهندی به وی کمک کرد و با چند تن مسلح ناصر علی را به دهلی رساند. (۱۳)
"وی به دست شیخ معصوم بیعت کرد و مرید وی شده به سلسله نقشبندیه وابسته شد. برای شیخ معصوم در دل احترام زیادی داشت. چنانچه در عقیدت به وی می گوید:

چراغ هفت کشور خواجه معصوم
منور از فروغش هند تا روم
دو عالم کرد خود را زیر پایش
که شاید زیر پا افتد نگاهش
ولی آن شمع بزم پادشاهی
نپردازد به این مشت "سیاهی" (۱۴)

ملاقات ناصر علی با اورنگزیب عالمگیر:

وی مردی قلندر، بی باک، بی پروا از ناز نگهدار دولت مند دشمن بود. دنیا و دنیا دار در نظر همتش خسی می نمود. از هندوستان همچو او شاعری خوش خیال، عالی همت، آزاد منش شهرت نصیب بر نخاسته. طرز خیال را پایه فلک الافلاک رسانیده و معنی های نجیب را در الفاظ غریب جلوه داده. در سال هزار و صد و یک به لشکر عالمگیری رفت و وقت ملازمت بادشاه دست به مصافحه دراز کرد. پادشاه بی دماغ شده فرمود. فقط شاعر است، آداب نمی داند. وی بی دماغ تر شده بر گردید. (۱۵)

اما بعضی از امرا وقتی که از خوبی های شعر ناصر علی برای اورنگ زیب توصیف کردند وی گفت: "اگر زبان را به انشای شعر آشنا نکند، دو روپیه یومیه بر هر مکانی که التماس نماید مقرر کرده شود". (۱۶)
باوجود آن ناصر علی برای پادشاه زمان احترام زیادی داشت و در مثنوی خود در توصیف او می گوید:

محمی الدین محمد زیب اورنگ
فضای شش جهت بر شوخی اش تنگ (۱۷)

وابستگی ناصر علی به ذوالفقار خان، غضنفر خان، شاه حمید و شاه عادل:

در ۱۱۰۰ ق به بیجاپور رفت و ملازم ذوالفقار خان بهادر، فرزند اسد الله خان وزیراعظم شد. (۱۸)

به شرف ملازمت امیر الامراء ذوالفقار خان بهادر، خلف الصدق نواب اسد خان وزیراعظم، بهر وافی یافت و روز ملاقات غزلی گذرانید که مطلعش این است:

ای شان حیدری ز جبین تو آشکار
نام تو در نبرد کند کار ذوالفقار

امیر فیاض به مجرد استماع مطلع یک زنجیر فیل و سی هزار روپیه در صله بخشید و وی همان ساعت همگی به فقرا تقسیم فرمود و به کمال استغنایی که داشت، التفاتی بدان ننمود. (۱۹)

در نگارستان فارس آمده است: "چون ناصر آن روز بر فیل به خانه خودش رسید. فیل بان به او گفت مرا هم هدیه هم مرحمت بفرمایید. ناصر گفت: این فیل را ببر. هدیه تو است." (۲۰)

در شهر جنگی، غضنفر خان، یکی از دوستان ذوالفقار علی خان، از وی استقبال کرد که در آن زمان فرمانده جنگی بود. ناصر علی در شعر ذیل به مدح غضنفر خان پرداخته است:

همچو پیل بی جگر بگریزد از میدان ما
بشنود گر کوه آواز غضنفر خان ما (۲۱)

و چون ذوالفقار خان در سنه ثلث و مائه و الف (۱۱۰۳) به تسخیر ملک کرناتک اقصای ملک دکن متوجه گردید با او به کرناتک رفت و ایامی معدود در آن نواحی بسر برد و با شاه حمید اعتقاد تمام بهم رسانید در مدح او می پردازد:

اینک اینک ساقی شیرین رسید
نوبت جام حمید الدین رسید
حلقه درگاه بیچون جام او
از زمین تا آسمان در دام او

و این شاه حمید مجذوبی بود در جنگی.....

و از ممدوحان ناصر علی ، شاه عادل پسر خواجه شاه مخاطب به شریف
خان است گویند شاه عادل ترک دنیا کرده بود. و دامن دولت فقر بدست
آورده. ناصر علی در مدح او قصیده دارد که مطلعش این است:
منم آن طفل نظر کرده استاد قدیم
که بود نقطه سهو القلم فکر حکیم(۲۲)

آرزوی ناصر علی به رفتن ایران:

ناصر علی در سال ۱۱۰۴هـ/۱۶۹۲م از دکن برگشت و در دهلی
سکنی گزید. آرزوی رفتن به ایران را در دل می پرورانید و به همین آرزو تا
مولتان رسید ولی به علت وضع نامساعد نتوانست سفر خود را ادامه بدهد.
خودش می گوید:

علی امسال موقوف است سیر گلشن ایران
چو داغ لاله دامنگیر دل شد خاک پنجابم(۲۳)

سودایی ناصر علی و ادعای قطبیت:

بندر ابن داس خوشگو در سفینه خوشگو می نویسد:
"سودا بر مزاجش غلبه داشت. اکثر مردم با سخت روی پیش می آمد
بلکه دشنام می داد. از حضرت شاه گلشن منقول است که یکی از آشنایان
قدیمش بخدمت وی رفت و پسر همراه داشت، نظر بر آن امرد کرده فرمود چون
است که من لب ترا بگزم. آن عزیز برهم خورده برخاست. روز دوم میان ناصر
علی این بیت مرزا صایب در عذر نوشت:

به اندک روی گرمی پشت بر گل می کند شبنم
چرا در آشنایی این قدر کس بی وفا باشد(۲۴)

آخر الامر از دکن به هندوستان در افتاد و در شاهجهان آباد به فرط
وارستگی و بی نیازی زندگانی می کرد. (۲۵)

در آخرین سال های حیات خود به تحریک یک مجذوب ادعای قطبیت
هم کرد چنان که از رباعی ذیل بر می آید:

آنم که ز فقر احمد آگاهم
در انجمن قبول صاحب جاهم

معشوق قلندرم جهان ملک من است

یعنی که خلیفه رسول الله ام(۲۶)

سرخوش در این مورد نوشته است: "در آخر عمر به اشاره مجذوبی ، در دارالخلافة به دعوای قطبیت اقامت ورزید، جنون ساخته به هم رساند".(۲۷)

در گذشت:

ناصر علی به تاریخ ۲۰ رمضان ۱۱۰۸ هـ / ۲ آوریل ۱۶۹۷م، در دهلی رخت از جهان بر بست. (۲۸)

درگذشت وی در ۱۱۰۸ ق در شاه جهان آباد اتفاق افتاد. چون در گذشت، پیکرش را در کنار مزار نظام الدین اولیای دهلوی نزدیک دهلی به خاک سپردند. (۲۹)

مولف کلمات الشعرا می نویسد: "ششم مبارک رمضان سنه یک هزار و یک صد و هشت در گذشت فقیر تاریخش یافته:

وارسته علی به همت بی پروا
از راحت و رنج دهر مستغنی رفت
دائم چو توجهش سوی معنی بود
دل کند ز صورتکده هستی رفت
سرخوش ز خرد سال وفاتش پرسید
گفت آه علی بعالم معنی رفت(۳۰)

تخلص ناصر علی:

ناصر علی سرهندی علی تخلص می کرد. در مقطع غزلیاتش نام علی و ناصر علی آمده است:

درمیان خیر آباد جهان ناصر علی
از شکست سینه دل بانگ منصورم هنوز
لب خموش علی کار ذوالفقار کند
به خصم هیچ مگو گرچه نامسلمان است(۳۱)

آثار ناصر علی:

آثار چاپی و غیر چاپی ناصر علی به شرح زیر است:

۱. دیوان
۲. مثنوی دفتر اول
۳. مثنوی های مختصر (۳ دفتر)
۴. مجموعه ای از اشعار متفرق به نام "عین الحیوة".
۵. بعضی از نوشته های نثری

دیوان:

دیوان ناصر علی را سرخوش مرتب کرده که دارای غزل ها ، قصیده ها و رباعیات است. جمعاً تعداد اشعار دیوان و مثنوی را دوازده هزار نوشته اند.(۳۲) در کتاب تاریخ ادبیات در ایران آمده است:

"از کلیات اشعار ناصر علی، که متجاوز از ۳۵۰۰ بیت است، به تمامی و به اجزاء، نسخه های متعددی در دست است. دیوانش به سال ۱۸۴۴ میلادی (۱۲۸۱هـ.ق) در لکهنو و بار دیگر به سال ۱۹۱۷ میلادی در کانپور چاپ شده. قصیده هایش در ستایش پیامبر و پیشوایان خانقاهی شاعر و سیف خان و ذوالفقار خان و غضنفر خان، وزیر اورنگ زیب، است. قسمت اساسی دیوانش را غزل های او به وجود می آورد و جز آن، منظومه ای به نام مثنوی در دو دفتر دارد که به سال ۱۱۰۰ به نام اورنگ زیب نظم کرد به اضافه، چند مثنوی کوتاه دیگر.(۳۳)

پس از انتشار مکرر دیوان ناصرعلی، اخیراً دکتر رشیده حسن هاشمی تصحیح دیوان او را به عنوان رساله دکتری خود برگزیده و پس از دفاع آن را در قالب کتاب منتشر کرده است. این تصحیح در سال ۱۳۸۴هـ.ش توسط مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان به چاپ رسیده است. این دیوان مشتمل بر غزلیات و قصاید است.

مثنوی:

به جز غزل و قصیده، منظومه ای به نام مثنوی در دو دفتر دارد که در ۱۱۰۰ ق به نام اورنگ زیب سروده است.

علی ابراهیم خان خلیل بنارسی در صحف ابراهیم می نویسد:

"مجموع دیوانش تخمیناً شش هزار بیت خواهد بود. اما اشعار تذکره دران بسیار است. مثنوی دلکش که به تقلید طرز محمود و ایاز ملا زلالی گفته از

حسن قبول بر السنه و افواه دایر و سایر است. در تذکره سرو آزاد مذکور است که اهل بغداد هر دو زبان عربی و فارسی می دانند. صوفیان آنجا در مجالس ذوق و سماع از زبان عربی بیشتر اشعار ابن الفارض مصری و از زبان فارسی اکثر مثنوی ناصر علی می خوانند. انتهی سراج الدین علی خان آرزو گوید که شاعر مذکور درای این مثنوی که متداولست مثنوی دیگر هم دارد، اما بسیار پریشان و در بحور متعدده طرح دار است. سبب آنکه در آخر عمر گونه سودا بر دماغش استیلا یافته بود. این بیت از آنجمله است:

جمله یک بیت است دیوان اله

هم بدنیا هم بعقبی کن نگاه (۳۴)

مثنوی های متعددی نوشته است. "ریو" می نویسد که : "مثنوی مذهبی" و "لطف کش ساغر ازلی" در دو دفتر تقسیم شده است و این در ورق ۵۳ تمام می شود بعد از این مثنوی های مختصر هستند. اِته نیز علاوه بر مثنوی های مذهبی ناصر علی ، تعداد زیادی از مثنوی های وی را ذکر کرده است. (۳۵)

نثر ناصر علی سرهندی:

در ریاض الافکار، مجمع الانشاء، مرآة الخیال و صحایف شرایف به شکل مکتوبات نمونه نثر ناصر علی یافته می شود. در صحایف شرایف چهار مکتوب ناصر علی را نقل کرده اند. اولین آن به نام ذوالفقار خان است که راجع به منصبی که به پسرش علی عظیم عطا شده بود، نوشته شده است. خدمتی برای او معین باید کرد که از دست او بر آید. (۳۶)

مصنف مرآة الخیال، شیر خان لودی، دو مکتوب ناصر علی را به نام شکر الله خان و جواب آنها را نقل کرده است. در مرآة الخیال آمده است که ناصر علی در پاسخ نامه به شیر علی خان لودی می نویسد:

مکتوب گرامی آن قدر آفرین بی کمالان سرمایه افتخار این از همه عاجز غافل گردید، ملاذا! سه ماه متصل می گذرد که نیازمند شما، فرصت چشم و گردنی ندارد که حوادث ناگوار در قید کشیدن و سوانح ناملایم کرم از پی هم رسیدن اند:

دلی غمدیده ای دارم میسر از گرد کلفتها

صدا در کوه چون رگ مانده از سنگینی آهش

"مع الحاصل، فقیر در این ایام از نوشتن و خواندن فارغم، و به اندوه بی پایان واصل". (۳۷)

سبک شعر ناصر علی سرهندی:

ناصر علی سرهندی شاعر سبک هندی زمان پادشاهی اورنگ زیب عالمگیر است. وی هم عصر شاعران دیگر سبک هندی یعنی بیدل و غنی کشمیری است. بقیه همه شاعران سبک هندی از این سه شاعر پیروی نمودند. (۳۸)

انواع شعر ناصر علی سرهندی:

ناصر علی در صنف غزل، رباعی، قصیده و مثنوی شعر سروده است. در غزل سرایی ناصر علی همه صناعات آرایش های ادبی آن زمان: ابهام، ایهام، تمثیل، تلمیح، تشخیص و غیره را می بینیم، اما خاصه شعرش شیرینی زبان و جذابیت فکر وی است. وی احساسات لطیف و عواطف قلبی را باهم می آمیزد و یک عالم عجیبی به وجود می آورد. همین کمال هنر ناصر علی است که فکر و زبان هر دو دارای، شور خاصی اندر:

ز دیده تا به دل همه صحن سرای اوست
رنگ شکسته بر رخ گل نقش پای اوست

ناصر علی در رباعی گویی مقام و مرتبه شاخصی دارد. و رباعی اش آن قدر محبوبیت اختیار کرد که شاعران دیگر هم عصر سعی می کردند از ناصر علی پیروی کنند.

پیش از همه شاهان غیور آمده ای
هر چند که آخر به ظهور آمده ای
ای ختم رسل قرب تو معلوم شد
دیر آمدی و از ره دور آمده ای

دیوان چاپی ناصر علی مشتمل بر غزلها و رباعی ها است در حالیکه "ریو" و "اته" دیوانش را با قصاید در نعت حضرت محمد صلی اللّٰه علیه وآله وسلم و مدح بوعلی قلندر و سیف خان تذکر داده اند. پس دیوانش بدون قصیده

کامل نیست. یک نسخه خطی دیوان وی که بعد از ختم اشعار قصیده پر از جوش و شدت کلام در مدح حضرت علی علیه السلام دارد که تکرار کلمه علی یک حالت خاصی را در انسان به وجود می آورد.

به نام ایزد بیچون و صانع اشیا
که مهر و ماه و فلک آفرید و ارض و سما
که بعد شاه رسل کس نبود مثل علی
به علم و حلم و شجاعت به صدق و جود و سخا
علی سمیع و علی والی و علی والا
علی بصیر و علی عالم و علی اعلا

از لحاظ سرودن مثنوی ناصر علی مقام بلندی دارد. مثنویهای وی در ضمن بهترین مثنوی فارسی هند به شمار می روند.

به نام خداوند ناز آفرین
جگرهای عشق گذار آفرین (۳۹)

آرای تذکره نویسان و ناقدین سخن درباره کلام ناصر علی سرهندی:

محمد افضل سرخوش در کلمات الشعراء می نویسد:
"از اهل هند صاحب سخن، بلند خیال، معنی یاب، ذی همت و کمال همچو او بر نخاسته (حاشیه): سوای شعر حسن خلق و خدا شناسی و همت و سخاوت و استعنا و بی پروایی بمرتبه ای دارد که در هیچ مخلوقی دیده نمی شود." (۴۰)
کشن چند اخلاص در تذکره همیشه بهار می نویسد:
"بخیال بندی و معنی آفرینی متجلی میان ناصر علی، از اهل هند همچو شاعر خوش لفظ و خوش خیال را حال بعرضه ظهور نیامده. مردی بود به استغنا و علو همت موصوف و طایر خیالش در هوای فصاحت به بلند پروازی معروف، اشعار آبدارش از آفتاب مشهور تر است. چنانچه خود نواسنج این معنی گردیده:
هر بیت من برابر دیوان صایب است
از بسکه اهل طبع مکرر نوشته اند" (۴۱)

بندرا بن داس خوشگو در سفینه خوشگو می نویسد:
"صاحب کلمات الشعراء در القاب آن جناب عبارت آبروی هندوستان می نویسد و این رباعی در شان وی گفته:

در ملک سخن بود جهانگیر علی
در مشرب دل ولی علی پیر علی
با شعر علی نمی رسد شعر کسی
ز انسان که خط کس به خط میر علی(۴۲)

علی قلی خان واله داغستانی در تذکره ریاض الشعرا می نویسد:
"میان ناصر علی به کمال تجرد و آراستگی به سر می برده. از مشربِ
تصوف بهره وافر داشته. به عنوان سیاحت مدت ها در بلاد هندوستان گردیده.
دیوانش در هند شهرت دارد اما شتر گربه در کلامش هست. علی تخلص می کرد.

ز جوش باده درد ته نشین بالا نشین گردد
ز موج خنده ترسم خط برون آیدازان لب ها"(۴۳)

آفتاب رای لکهنوی در ریاض العارفین می نویسد:
"یعنی ناصر علی سرهندی که معاصر اورنگ زیب عالمگیر است و پست
و بلند در اشعارش اکثر آخرها در یک هزار و یک صد و هشت (۱۱۰۸ هـ) در
دهلی در گذشت. تاریخ وفاتش: 'آه علی بعالم معنی رفت' یافته. منه:

صندلی چونک بتی می آید
ای علی درد سری پیدا کن

.....

چنان تقریر حال دل کنم پیش سیه چشمی
که گردد شمع خاموش از نگاه سرمه آلودش(۴۴)
عفت رفیق در مقاله خود درباره ناصر علی می نویسد:
"ناصر علی معتقد صائب است و او تحتِ تاثیر کلام حافظ شیرازی،
فغانی شیرازی و نظیری نیشاپوری نیز بود. درباره فغانی گفت که اشعارش همیشه
زمزمه من است.

نظیری را شیخ خود تسلیم کرده است و صائب را هم صغیر خود گفت. عاقبت الآخر مرید پیرومی شده است. ناقدین سخن می گویند که در اسلوب شعر ناصر علی پیروی صائب کرد". (۴۵)

مولف شمع انجمن با اینکه غزلهای او را می ستاید می گوید:
"در مثنوی ید بیضا می کند". (۴۶)

پروفسور خانم آنه ماری شمل ، محقق و مستشرق معروف، راجع به اشعار ناصر علی می گوید:

"بعضی از اشعار ناصر علی دل پسند و لطیف است اگر خواننده تلاش و چالش او را تقریباً در ابیات پیچیده غزلها و قصاید در نظر بگیرد ، این لطافت کاملاً برملا می شود". (۴۷)

در کتاب تاریخ ادبیات در ایران آمده است:

"ویژگی اش در داشتن خیالات باریک و بسیار دقیق در و دقت در یافتن مضمون های تازه و دیریاب و داشتن زبان ساده متمایل به زبان محاوره است و دیوانش سیر تکاملی این گونه شعر را، خاصه در معنی های غنایی، تا ظهور عبدالقادر بیدل به نیکی نشان می دهد.

میر عبدالرزاق خوافی در بهارستان سخن گوید:

او در دارالملک بلند خیالی و نازک بندی کوس لمن الملکی نواخت...
والحق صنعت خیال را به درجه اعلی صعود بخشید. در دقت معانی و تازگی مضامین، استاد والا دستگاهی است، ولی این بلند پروازیها، خیال ناصر علی را گاه در بیان معانی اش ناتوان و الفاظش را نارسا می ساخت". (۴۸)

شیخ اکرام الحق در شعر العجم فی الهند می نویسد: درین هیچ شکی نیست که دقت آفرینی ویژگی مهم شعر ناصر علی است. از شعر او معانی نمی تواند باسانی فهمیده شود. تخیل او پیچدار است واستعاره بعید از قیاس است. (۴۹)

جای دگر نیز می نویسد: باین همه حرفهای او تاثیر دارد. نکته های دقیق تصوف در کلامش چنین انداز بلیغ و ساده بیان شده است که انسان می خواهد که آن را داد وتحسین کند. (۵۰)

مؤلف کتاب پارسی گویان هند و سند، ضمن ارائه نمونه هایی از اشعار این شاعر، به اجمال به زندگی او پرداخته و می نویسد:

"سرهندی، شاعری صوفی منش بوده محمد افضل سرخوش او را به لقب آبروی هندوستان یاد کرده است. دیوان مختصر و مثنویای موجز، در نهایت متانت و غایت استواری، به زبان فارسی از وی یادگار صفحه روزگار است. به قول صاحب شمع انجمن اگرچه غزل را به اسلوب تازه جلوه داده، اما در مثنوی ید بیضا می نماید. هرچند برخی مثنوی گویان به راه او رفتند، اما هیچ کس به او نرسید." (۵۱)

علی ابراهیم خان خلیل بنارسی در صفح ابراهیم می نویسد:

"بالجمله شاعر مذکور در کمال تجرد و استغنا و قلندر مشربی می زیست. بدینا و اهل دنیا تمان فرود نمی آورد. و سخن سنجان مقارن زمان خود را در پله تساوی خود می گذاشت. و بر همگنان دعوی تفوق می کرد. چنانچه این ابیات شاهد حال این معنی است:

علی شعرم به ایران میبرد شهرت ازان ترسم
که صایب خون بگرید آب در دفتر شود پیدا

.....

هر بیت من برابر دیوان صایب است
از بسکه اهل طبع مکرر نوشته اند" (۵۲)

نیز می نویسد: "الحق که شاعر والا دستگاه و موجد طرز خاصست معنی تازه و خیال نازک را در کسوت الفاظ شوختر از چشم غزال جلوه می دهد. سحر کاری سخن در طلسم سازی خیال و جادو طرازی بیان در شیوه مقال او پیداست. صاحب کلمات الشعرا در مقام مدحتش آبروی هندوستان گفته." (۵۳)

دکتر عبدالحسین زرین کوب در سیری در شعر فارسی می نویسد:

"در شاعری در عصر خود آوازه بلند یافت و مورد توجه و تحسین سخن شناسان زمانه واقع گشت. با آنکه به شیوه شاعران عصر مدیحه پردازی هم می کرده برخلاف بسیاری از آنها به ممدوحان و صلاتشان با نظر بی نیازی می نگریست." (۵۴)

سراج الدین علی خان آرزو می نویسد: "از کمال شهرت محتاج تعریف نیست در شعر طرز خاصی دارد. میرزا معز فطرت و سرخوش و دیگر اعزه پیروی او دارند. اشعارش بسیار شوخ و شور انگیز و مضامین ابیات او پیچیده تر از زلف خوبان و نازک تر از کمر محبوبان است. گویا مخترع است درین فن. دعویهای بلند داشت و هیچ یکی از شعرا را وجود نمی گذاشت. اگرچه در بعضی از جاها به سبب تغافل و بی پروایی که داشت تساهل گونه در شعر به کار برده لیکن بسیار خوب گو است." (۵۵)

دکتر رشیده حسن هاشمی می نویسد: "چندی از شاعران توانستند از روش ناصر علی پیروی کنند بسیاری کوشیدند ولی طرز و روش خود شان را نیز گم کردند." (۵۶)

سر خوش راجع به شیخ محمود حیران می نویسد: "می خواست که به تقلید ناصر علی راه رود، راه اصلی خود را هم گم کرده حیران است." (۵۷)

ایراد ناقدین سخن درباره کلام ناصر علی سرهندی:

اگرچه کلام "ناصر علی" از شهرت و محبوبیت خاصی برخوردار بود اما در کنار این محبوبیت و جذابیت معاصران و متاخران، شعر وی را مورد ایراد هم قرار دادند.

دکتر رشیده حسن هاشمی می نویسد: محمد علی حزین راجع به او می گوید: "از نظم ناصر علی و نثر بیدل هیچ به فهم نمی آید اگر به ایران می فرستم برای ریشخند یاران، ره آوردی از این خوبتر نبوده." (۵۸)

در حیات ناصر علی نیز کلام وی مورد تنقید قرار می گرفت. ولی پاسخ خود شاعر یا جواب حمایت کنندگانش ناقدین را قانع می کرد.

شیخ احمد علی خان سندیلوی در "مخزن الغرائب" می نویسد: "بعضی مردم که از کلامش به سبب دقت که پی به معنی نمی برند، تلذذ نمی یابند، خوش نیستند و کلمه سست بر زبان می آرند. نمی دانند که معنی و صورت لفظ چون آب حیات در ظلمات پنهان است، آسان به دست نمی آید." (۵۹)

بندرا بن داس خوشگو در سفینه خوشگو می نویسد:

"در تذکره میر غلام علی آزاد مرقوم است که برین بیت بلند میان ناصرعلی:

اگر آن هلال ابرو بمیان نشسته باشد
مه نو به چشم مردم مژه شکسته باشد
شاعر اعتراض کرده که اول هلال ابرو بست و باز همان هلال را کسر
شان نمود و اکثر اعزه این اعتراض پسندیده اند. فقیر خوش گو از بیت مرزا
صایب علیه الرحمه جواب این معنی می دهد که به همین ترکیب گفته:
گمان می کرد طوق قمریان را قد چون تیرش
اگر می دید سرو بوستان آن سرو قامت را
چه سرو قامت بسته موافق هلال ابرو و باز همان سرو را ذلیل کرده از
باغ می برد". (۶۰)

نویسنده تذکره بیش واقعه ای را ذکر می کند و می نویسد: "مجلس
مشاعره در محلی مخصوص تشکیل می شد در آن انتقاد بی جا قابل تحمل نبود.
مولوی محمد واصف تذکره ای به نام معدن الجواهر نوشت و در آن اشعار ناصر
علی را مورد مسخره قرار داد. نواب اعظم محمد غوث خان نواب کرناتک این
عمل واصف را نپسندید و او را از مجلس مشاعره اخراج نمود. ولی فقط به این
کار اکتفا ننمود، در تذکره خود به نام گلزار اعظم به اعتراضات واصف جواب
های مدلل داد. رئیس مجلس مشاعره، شیرین سخن راقم هم در جواب اعتراضات
واصف، رساله ای تحت عنوان ذوالفقار علی نگاشت، چون تذکره واصف انتشار
نیافت رساله ذوالفقار علی نیز در خفا ماند. (۶۱)

نویسنده تذکره بینش، در ذیل ذکر نواب غوث خان اعظم می نویسد:
"اکنون پایه سخنش به تتبع شیخ ناصر علی سهرندی به جایی رسیده
که موشکافانه دقایق معانی و رموز دانان لطایف سخندانی، راهی به فرق تحقیق
و تقلید نمی توانند گشود". (۶۲)

شیر علی خان لودی می نویسد:

تو چون در جلوه آبی مغز جان سیماب می گردد
تجلی می کند برقی که آتش آب می گردد

چون شیخ ناصر علی این غزل به گفت ، در شاه جهان آباد آوازه در انداخت که هر کس این غزل را جواب تواند رسانید. اگر در ملک سخن دعوی خدایی کند ، من به وی ایمان می آرم ، از اتفاقات، هیچ یکی از موزونان لب به جواب نگشادند، مگر احمد عبرت به اشاره میرزا عبدالقادر بیدل غزلی که در دیوانش مرقوم است گفت و شیخ بعد از استماع آن سکوت ورزید. (۶۳)

مرحوم دکتر سید محمد عبدالله در کتاب خویش "فارسی زبان و ادب" مضمون آفرینی ناصر علی را تجزیه کرده و گفته است که:

"همین تشخیص واقعی اوست خیال آفرینی ، فکر نازک ، یافتن معانی، فکر بلند و معانی تازه، همه اسم های همین یک روش اند".

سید عبدالله می نویسند: ووقتی ناصر علی را بخواهیم درک کنیم ، نسبت های دور و دراز را باید جست و جو کنیم، آن وقت اشعارش مانند چیستان به نظر می رسند. " (۶۴)



حواله جات

۱. حسن انوشه، دانشنامه ادب فارسی، ادب فارسی در شبه قاره، عنوان مقاله: علی سرهندی، مقاله نگار: اختر رسولی، جلد چهارم، بخش دوم، (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰ش)، ۱۸۱۷.
۲. بندرا بن داس خوشگو، سفینه خوشگو، مرتبه: سید شاه عطاء الرحمن عطا کاکوی، دفتر ثالث، (پتنه ، بهار: ۱۹۵۹م)، ۱.
۳. دکتر ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، جلد پنجم، بخش دوم، (تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۷۳ش)، ۱۲۴۵.
۴. بندرا بن داس خوشگو، سفینه خوشگو، مرتبه: سید شاه عطاء الرحمن عطا کاکوی، دفتر ثالث، (پتنه ، بهار: ۱۹۵۹م)، ۱.
۵. میر غلام علی آزاد بلگرامی، مآثر الکرام موسوم به سرو آزاد، دفتر ثانی، تصحیح عبدالله خان، به اهتمام مولوی عبدالحق، (حیدرآباد دکن: کتب خانه آصفیه، ۱۹۱۳م)، ۱۳۱.
۶. ناصر علی سرهندی، دیوان ناصر علی سرهندی، به تصحیح دکتر رشیده حسن هاشمی، (اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۸۴ش)، ۴.
۷. محمد غوث خان بهادر، تذکره گلزار اعظم، (بی جا: مطبعه سرکاری، ۱۲۷۲ش)، ۶۶.

۸. محمد افضل سرخوش، کلمات الشعراء، به تصحیح صادق علی دلاوری، (لاهور: شیخ مبارک علی ایند سنز، ۱۹۴۲م)، ۷۴.
۹. ناصر علی سرھندی، دیوان ناصر علی سرھندی، به تصحیح دکتر رشیدہ حسن ہاشمی، (اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۸۴ش)، ۵.
۱۰. حسن انوشہ، دانشنامہ ادب فارسی، ادب فارسی در شبہ قارہ، عنوان مقالہ: علی سرھندی، مقالہ نگار: اختر رسولی، جلد چہارم، بخش دوم، (تہران: وزارت فرہنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰ش)، ۱۸۱۷.
۱۱. سید حسن علی خان، صبح گلشن، (بہوپال، ۱۲۹۵ھ)، ۲۱۵.
۱۲. محمد افضل سرخوش، کلمات الشعراء، به تصحیح صادق علی دلاوری، (لاهور: شیخ مبارک علی ایند سنز، ۱۹۴۲م)، ۷۴.
۱۳. غلام علی آزاد بلگرامی، خزائنہ عامرہ، تصحیح ناصر نیکو بخت، شکیل اسلم بیگ، (تہران: پژوهشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی، ۱۳۹۰ش)، ۲۸۱.
۱۴. ناصر علی سرھندی، دیوان ناصر علی سرھندی، به تصحیح دکتر رشیدہ حسن ہاشمی، (اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۸۴ش)، ۷.
۱۵. بندرا بن داس خوشگو، سفینہ خوشگو، مرتبہ: سید شاہ عطاء الرحمن عطا کاکوی، دفتر ثالث، (پتنہ، بہار: ۱۹۵۹م)، ۲.
۱۶. شاہنواز خان عبدالرزاق خان خوافی، بہارستان سخن، گورنمنٹ اورینٹل سیریز، (مدراس: ۱۹۵۱م)، ۲۰۸.
۱۷. میر غلام علی آزاد بلگرامی، مآثر الکرام موسوم بہ سرو آزاد، دفتر ثانی، تصحیح عبداللہ خان، بہ اہتمام مولوی عبدالحق، (حیدرآباد دکن: کتب خانہ آصفیہ، ۱۹۱۳م)، ۲۶۰.
۱۸. حسن انوشہ، دانشنامہ ادب فارسی، ادب فارسی در شبہ قارہ، عنوان مقالہ: علی سرھندی، مقالہ نگار: اختر رسولی، جلد چہارم، بخش دوم، (تہران: وزارت فرہنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰ش)، ۱۸۱۷.
۱۹. محمد قدرت اللہ گوپاموی، تذکرہ نتائج الافکار، تصحیح یوسف بیگ باباپور، (قمر: نشر مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۸۷ش)، ۵۲۰.
۲۰. محمد حسین آزاد، نگارستان فارس، (لاهور: کریمی پریس، ۱۹۲۳م)، ۱۶۰.
۲۱. ناصر علی سرھندی، دیوان ناصر علی سرھندی، به تصحیح دکتر رشیدہ حسن ہاشمی، (اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۸۴ش)، ۸.
۲۲. میر غلام علی آزاد بلگرامی، مآثر الکرام موسوم بہ سرو آزاد، دفتر ثانی، تصحیح عبداللہ خان، بہ اہتمام مولوی عبدالحق، (حیدرآباد دکن: کتب خانہ آصفیہ، ۱۹۱۳م)، ۱۳۰-۱۳۱.

۲۳. ناصر علی سرهندی، دیوان ناصر علی سرهندی، به تصحیح دکتر رشیده حسن هاشمی، (اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۸۴ش)، ۹.
۲۴. بندرا بن داس خوشگو، سفینه خوشگو، مرتبه: سید شاه عطاء الرحمن عطا کاکوی، دفتر ثالث، (پتنه، بهار: ۱۹۵۹م)، ۳۲.
۲۵. محمد قدرت الله گوپاموی، تذکره نتائج الافکار، تصحیح یوسف بیگ باباپور، (قم: نشر مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۸۷ش)، ۵۲۰.
۲۶. ناصر علی سرهندی، دیوان ناصر علی سرهندی، به تصحیح دکتر رشیده حسن هاشمی، (اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۸۴ش)، ۹۰۸.
۲۷. محمد افضل سرخوش، کلمات الشعراء، به تصحیح صادق علی دلاوری، (لاهور: شیخ مبارک علی ایند سنز، ۱۹۴۲م)، ۷۵.
۲۸. ناصر علی سرهندی، دیوان ناصر علی سرهندی، به تصحیح دکتر رشیده حسن هاشمی، (اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۸۴ش)، ۱۰.
۲۹. حسن انوشه، دانشنامه ادب فارسی، ادب فارسی در شبه قاره، عنوان مقاله: علی سرهندی، مقاله نگار: اختر رسولی، جلد چهارم، بخش دوم، (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰ش)، ۱۸۱۷.
۳۰. محمد افضل سرخوش، کلمات الشعراء، به تصحیح صادق علی دلاوری، (لاهور: شیخ مبارک علی ایند سنز، ۱۹۴۲م)، ۷۵.
۳۱. ناصر علی سرهندی، دیوان ناصر علی سرهندی، به تصحیح دکتر رشیده حسن هاشمی، (اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۸۴ش)، ۱۰.
۳۲. ناصر علی سرهندی، دیوان ناصر علی سرهندی، به تصحیح دکتر رشیده حسن هاشمی، (اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۸۴ش)، ۲۳.
۳۳. دکتر ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، جلد پنجم، بخش دوم، (تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۷۳ش)، ۱۳۴۲.
۳۴. علی ابراهیم خان خلیل بنارسی، صحف ابراهیم، بخش معاصران، به تصحیح میر هاشم محدث، (بی جا: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۴)، ۱۸۵ و ۱۸۶.
۳۵. ناصر علی سرهندی، دیوان ناصر علی سرهندی، به تصحیح دکتر رشیده حسن هاشمی، (اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۸۴ش)، ۱۶.
۳۶. محمد عسکری حسین بلگرام، صحایف شرایف، (بانکی پور: بی تا)، ۱۹۱.
۳۷. شیر علی خان لودی، تذکره مرآة الخیال، (بمبئی، هند: ۱۳۲۴ش)، ۲۴۸.
۳۸. ناصر علی سرهندی، دیوان ناصر علی سرهندی، به تصحیح دکتر رشیده حسن هاشمی، (اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۸۴ش)، ۱۵ و ۱۳.
۳۹. ایضاً، ۱۵ و ۱۶.

۴۰. محمد افضل سرخوش، کلمات الشعراء، به تصحیح صادق علی دلاوری، (لاهور: شیخ مبارک علی ایند سنز، ۱۹۴۲م)، ۷۴.
۴۱. کشن چند اخلاص، همیشه بهار، مرتبه دکتر وحید قریشی، (کراچی: انجمن ترقی اردو پاکستان، ۱۹۷۳م)، ۱۶۳.
۴۲. بندرا بن داس خوشگو، سفینه خوشگو، مرتبه: سید شاه عطاء الرحمن عطا کاکوی، دفتر ثالث، (پتنه، بهار: ۱۹۵۹م)، ۱ و ۲.
۴۳. علی قلی خان واله داغستانی، تذکره ریاض الشعراء، مقدمه تصحیح و تحقیق سید محسن ناجی آبادی، جلد سوم، (تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۴)، ۱۴۹۷.
۴۴. آفتاب رای لکهنوی، ریاض العارفین، بتصحیح و مقدمه سید حسام الدین راشدی، بخش دوم، (اسلام آباد: انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۹۸۲م)، ۴۲، ۴۳.
۴۵. عفت رفیق، مثنوی ناصر علی سرهندی، تصحیح و تحشیه و مقدمه، پایان نامه کارشناسی ارشد، (لاهور: دانشکده خاور شناسی، دانشگاه پنجاب لاهور، دوره تحصیلی ۱۹۸۷ء - ۱۹۸۸ء)، ۵۶.
۴۶. نواب محمد صدیق حسن خان، تذکره شمع انجمن، (بهوپال: ۱۲۹۲ش)، ۳۰۳.
۴۷. آنه ماری شمل، ادبیات اسلامی هند، ترجمه یعقوب آژند، (تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۳هـ ش)، ۶۰.
۴۸. دکتر ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، جلد پنجم، بخش دوم، (تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۷۳ش)، ۱۳۴۱-۱۳۴۳.
۴۹. شیخ اکرام الحق، شعر العجم فی الهند، (لاهور: اشرف پریس، ۱۹۶۱م)، ۱۱۳.
۵۰. ایضاً، ۱۱۴.
۵۱. هرومل سدارنگانی، پارسی گویان هند و سند، (تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۵ش)، ۱۲۳.
۵۲. علی ابراهیم خان خلیل بنارسی، صحف ابراهیم، بخش معاصران، به تصحیح میر هاشم محدث، (بی جا: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۴)، ۱۰۱.
۵۳. ایضاً، ۱۸۵.
۵۴. دکتر عبدالحسین زرین کوب، سیری در شعر فارسی، چاپ سوم، (تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۱ش)، ۱۲۳.
۵۵. آرزو، سراج الدین علی خان، تذکره مجمع النفایس، به تصحیح دکتر مهر نور محمد خان، جلد دوم، (اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۸۵هـ ش)، ۱۰۸ و ۱۰۹.

۵۶. ناصر علی سرھندی، دیوان ناصر علی سرھندی، به تصحیح دکتھر رشیدہ حسن ہاشمی، (اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۸۴ش)، ۱۵.
۵۷. محمد افضل سرخوش، کلمات الشعراء، به تصحیح صادق علی دلاوری، (لاهور: شیخ مبارک علی ایند سنز، ۱۹۴۲م)، ۵۳.
۵۸. ناصر علی سرھندی، دیوان ناصر علی سرھندی، به تصحیح دکتھر رشیدہ حسن ہاشمی، (اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۸۴ش)، ۲۰.
۵۹. شیخ احمد علی خان سندیلوی، مخزن الغرایب، مصحح دکتھر محمد باقر، جلد۴، (اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۹۶۸م)، ۲۸۷.
۶۰. بندرا بن داس خوشگو، سفینہ خوشگو، مرتبہ: سید شاہ عطاء الرحمن عطا کاوی، دفتر ثالث، (پتنہ، بہار: ۱۹۵۹م)، ۷.
۶۱. سید مرتضیٰ بینش، تذکرہ اشارات بینش، مرتبہ حسین قاسمی، (دھلی: ۱۹۷۳م)، ۱۲۴.
۶۲. ایضاً، ۴۴.
۶۳. شیر علی خان لودی، تذکرہ مرآۃ الخیال، (بمبئی، ہند: ۱۳۲۴ش)، ۲۴۹.
۶۴. دکتھر سید محمد عبداللہ، فارسی زبان و ادب، مجموعہ مقالات، (لاهور: مجلس ترقی ادب، بی تا)، ۲۱۲-۲۲۵.

BIBLIOGRAPHY

- Abdullah, Dr Syed Muhammad, Farsi Zuban_o_Adab, Majmooh Maqalat, (Lahore Majlis Tarqqi Adab)
- Abdur Razzak Khawafi, Shah Nawaz Khan, Baharistan_i_Sukhan, Government Oriental series, (Madras, 1951 A.D)
- Ali Khan, Syed Hassan, Subha-ay-Gulshan, (Bhoopal: 1295, H.S)
- Ali Sirhindi, Nasir, Dewan Nasir Ali Sirhindi, ba tasheh Dr. Rashida hassan Hashmi, (Islamabad: Markaz Tahqiqat Farsi Iran_va_Pakistan, 1385 H.S).
- Anusha, Hassan, Daneshnama Adab-e-Farsi, Adab-e-Farsi Dar Shibh-kara, Unwan Maqala: Ali Sirhindi, Maqala nigar: Akhtar Rasooli, jild Chaharum, Bukhsh Dowum, (Tehran: Wazarat Farhang-wa-Irshad Islami, 1380H.S)
- Arzoo, Siraj_Ud_Deen Ali Khan, Tazkara Majma_Un_Nafaees, ba tasheh Dr. Mehar Noor Muhammad Khan, Jild:2, (Islamabad: Markaz Tahqiqat Farsi Iran va Pakistan, 1385H.S)
- Azad Bilgarami, Ghulam Ali, Khazaneh Amra, Tasheh Nasir Niko Bakht, Shakeel Aslam Baig, (Tehran: Pazohishgah allom-e-Insani wa Motaleat-e-Farhangi, 1390H.S)
- Azad Bilgarami, Mir Ghulam Ali, Maasar-ul-Ikram, Mosum ba Sarv-e-Azad, Daftar-e-sani, Tasheh Abdullah Khan, Ba ahtamam Molvi Abdul Haq, (Haider Abad Daccan: Kutab Khana Asfiya, 1913 A.D)
- Azad Muhammad Hussain, Nigaristan-e-Faris, (Lahore: Kareemi Press, 1923A.D)
- Badakhshani, Maqbool Baig, Tarikh-e-Adbeyat Musalmanan-a-Pakistan wa-Hind, jild Panjum, Buksh Dowum, (Lahore: Nashir: Captian Syed fiaz Mahmood, Punjab University Lahore, 1971 A.D)

Oriental College Magazine, Vol.101, No. 01, Serial No. 379, 2025

- Bahadur, Muhammad Ghous Khan, Tazkara Gulzar-a-Azam, (be ja: Matba Sarkari, 1272H.S)
- Beenish, Syed Murtaza, Tazkara Esharat-ay-Beenish, Muratabh Hussain Qasami, (Dehli, 1973 A.D)
- Daaghistani, Ali Quli Khan Walah, Tazkara Riaz-ush-Shura, Muqadma, Tasheh wa Tahqeeq Syed Mohsin Naji Abadi, Jild Sivum, (Tehran: Intisharat Asatir, 1384 H.S)
- Gopamvi, Muhammad Qudrat Ullah, Tazkara Nataaej-ul-Afkar, Tasheh Yousaf baig Babapur (Qum: Nashar Majma Zakhayeer Islami, 1387H.S)
- Hassan Khan, Nawab Mohammad Sadiq, Tazkara Shama-e-Anjuman, (Bhoopal: 1292 H.S)
- Hussain Bilgaram, Muhammad Askari, Sahaif-e-Sharaif, (Bankipur: Be Ta)
- Ikhlash Kishan Chand, Hamesha Bahar, Muratabh, Dr. Waheed Qureshi, (Karachi: Anjuman Tarqqi Urdu Pakistan, 1973A.D)
- Ikram-ul-Haq, Sheer-ul-Ajam Phil Hind, (Lahore: Ashraf press, 1961A.D)
- Khalil Banarsi, Ali Ibrahim Khan, Sahaf-ay-Ibrahemi, Buksh Maasaran ba tasheh Mir Hashim Muhaddis, (Be ja : Anjuman Asar-o-Mufakhir Farhangi, 1384H.S)
- Khushgo, Bandra Bin Das, Safeeneh Khushgo, Muratabh Syed Shah Ata-ur-Rahman Ata Kakoui, daftar Salis, (Bahar: Patna, 1959 A.D)
- Lakhnavi, Aftab Rai, Riaz-ul-Arfeen, ba tasheh wa muqadma Syed Hassam Rashidi, Bukhsh dowum, (Islam Abad: Intisharat Markaz Tehqeeqat Farsi Iran wa Pakistan, 1982 A.D)
- Lodhi, Sher Ali Khan, Tazkara Mera-tul-khayal, (Hind: Bombay, 1324H.S)
- Rafiq, Iffat, Masnavi Nasir Ali Sirhindi, tasheh wa tahasia wa muqadma, Payan nama Karshanashi Arshad, (Lahore: Danishkada Khawar Shanashi, Danishgah Punjab Lahore, dora tehseli 1987-1988 A.D)
- Sadarangani, Haromal, Parsi Goyan Hind wa Sind, (Tehran: Bunyad Farhang Iran, 1355 H.S)
- Safa, Dr. Zabih Ullah, Tarekh Adbeyat Dar Iran, Jild panjum, Bakhsh Dowum, (Tehran: Intisharat Firdous, 1373H.S)
- Schimmel, Annemarie, Adabiyat Islami Hind, Tarjama Yaqoob Aazand, (Tehran: Moassasa Intisharat Ameer Kabir, 1373 H.S)
- Sindhalvi, Sheikh Ahmad Ali Khan, Maghzan-ul-Gharaib, Mossahah Dr. Muhammad Baqir, Jild 4, (Islamabad, Markaz Tahqiqat Farsi Iran-wa-Pakistan, 1968A.D)
- Sirkhush, Muhammad Afzal, kalamat-ul-shura, ba tasheh sadiq Ali Dilawar, (Lahore: Sheikh Mubarak Ali and Sons, 1942A.D)
- Zarin Kob, Dr Abdul Hussain, Sari Dar Shair-e-Farsi, Chap Sivum (Tehran: Intisharat elmi, 1371 H.S)

